

چه چیزی موجب می‌شود که عین ثابت‌هی افراد متفاوت باشد؟

شماره پرسش: ۶۱۷۵

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۸/۹ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

با سلام از خدمت استاد گرانقدر سوالی دارم، بحث اعیان ثابت‌هی بحث پیچیده‌ای است. چطور امام خمینی بودن خود را آنچنان پر ثمر خواسته و شخصی چون بیزید آنطور؟ چگونه یک نفر زن‌زاده بودن را انتخاب می‌کند؟ چطور یک نفر فقری که به کفر منتهی می‌شود را انتخاب و دیگری ثروتی چنان حضرت خدیجه را؟ آیا ائمه اطهار هم در همین علم الهی است که جایگاه خود را براساس لیاقت‌شان ثابت کرده‌اند؟

متن پاسخ

باسم‌هه تعالی: سلام علیکم: در مباحث عرفان نظری یاداشتی دارم که عیناً برایتان ارسال می‌دارم. به هرحال در این مورد مجبوریم فکر کنیم و گرنه همواره این نوع سؤالات برایمان پایدار می‌ماند. موفق باشید. سؤال: این‌که گفته می‌شود هرکس مطابق عین ثابت‌هی خودش عمل می‌کند، موجب می‌شود تا این سؤال پیش می‌آید: چه چیزی موجب می‌شود که عین ثابت‌هی افراد متفاوت باشد؟ جواب: همان‌طور که مستحضرید تفاوت عین ثابت‌هی هرچیز و هرکس به حقیقت امکانی آن مربوط است مثل وقوع عدد ۴ که بین ۳ و ۵ است و یا عدد ۱۵ که بین ۹ و ۱۱ می‌باشد و این وقوع از خود آن اعداد است. به طوری که این اعداد امکانی جز این ندارند که در این موقعیت باشند. همین‌طور امکان شخص صدام جز همین وقوع و امکان نیست. مثل عدد ۴ است که جایش بین ۳ و ۵ است و وقوع حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه» جز این نیست که هستند. مثل عدد ۱۵ است که بین ۹ و ۱۱ است. منتها اشتباه از این جا پیش می‌آید که آن وقوع اولیه که در آن مرحله هیچ نقص و کمالی برای صاحبانش نیست مگر امکان کمال یا نقص، آن را به کمال یا نقص انتهایی افراد نسبت می‌دهیم. در ابتدا امکان صدام شدن صدام به عنوان یک انسان خون‌خوار در عین ثابت‌هی او هست، منتها در عین اختیار و شعور فطری که دارد. درست است هرگز صدام نمی‌تواند امام خمینی شود ولی به جهت اختیاری که دارد می‌تواند شهید خرازی شود. چون عین ثابت‌هی او، امکان چنین بودنی دارد. همین‌طور که در ابتدای امر عین ثابت‌هی امام خمینی امکان انسانی عالم و عارف و شجاع را دارد و او با انتخاب خوب خود، مطابق عین ثابت‌هی خود امام خمینی شد و هرگز نمی‌توانست صدام یا شهید خرازی شود. همین‌طور که یک زن بر اساس امکان وقوع خود زن می‌شود. در مسیر زن بودنش و مطابق عین ثابت‌هاش می‌تواند زن خوبی شود و یا زن بدی. ولی هرگز نمی‌تواند مرد شود چون که عین ثابت‌هی او اقتضای زن بودن او را دارد. او در مسیر عین ثابت‌هاش می‌تواند مطابق فطرتش عمل کند یا نکند.

همین طور که امام خمینی می‌توانست مطابق عین ثابت‌هاش که شبیه عدد ۱۵ است، انتخاب‌های بدی بکند و یک انسان با سواد ولی خطرناکی بشود. هرچند نمی‌توانست یک صدام بدی شود، چون اقتضای عین ثابت‌هاش آن نحوه بودنی است که عدد ۱۵ در آن جایگاه هست و نه عدد ۵. پس اگر فردا حضرت امام خمینی از خدا بپرسد چرا من را امام خمینی کردی با این‌همه وسعت کار و دردسر، جواب آن است که امکان خودت، امام‌خمینی‌بودن بود و انتخاب‌های خودت هم به اقتضای همان عین ثابت‌ه و امکان وجودیت انجام گرفت. مثل این‌که اگر یک زن بپرسد چرا من را زن کردید؟ جواب می‌دهند امکان زن بودن از آن خودت بود و هرچه هم عمل کردی با انتخابی عمل کردی که مقتضای زن بودن توضیت، چه مطابق فطرت عمل کرده باشد و چه مطابق نفس امّاره. در همه‌ی این موارد حجت خدا در جواب این اعتراض‌ها بالغه و بی‌نقص است و می‌تواند بدی یا خوبی افراد را متوجه خودشان بکنند. توجه به جایگاه عین ثابت‌ه در کنار حکمت الهی و احسن‌بودن نظام عالم موجب می‌شود تا متوجه باشیم که خداوند به آن اعیانی إذن خلقت می‌دهد که با خلقت آن‌ها نظام احسن الهی ادامه پیدا کند، پس این اشکال پیش نمی‌آید که اگر امکان بودن هر موجودی از خودش است پس وجود پدیده‌ها در عالم مربوط به خود پدیده‌هاست زیرا وجود دادن پدیده‌ها مربوط به خدا است - هرچند امکان آن‌ها مربوط به خودشان باشد - و خداوند به اقتضای حکمتش به آن‌چه صلاحیت وجود داشتن دارد، وجود می‌دهد